

حادثه پلاسکو و همدردی ملتی قهرمان

حادثه آتش سوزی ساختمان پلاسکو و فرو ریختن ساختمان 17 طبقه و گرفتار شدن برخی از آتش نشان های جانفشان و شهادت تنی چند از آن بزرگواران تمامی مردم ایران زمین را عزادار کرد. این که چند نفر از آتش نشان ها و یا از کسبه و مراجعه کنندگان در زیر آواری از آهن و بتن و آتش مدفون شده اند کاملاً مشخص نیست و این در حالی است که همه ارگان ها و دوایر ذیربط دست به دست هم داده اند تا بتوانند به مهار بحران و یافتن گمشده گان موفق بشوند.

حوادثی از این قبیل نشان داده است که مردم ایران با حادثه دیدگان با تمام وجود اظهار همدردی می نمایند و از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نمی نمایند و مسؤولین و ارگان هایی که می توانند در بهبود بخشیدن به اوضاع موثر باشند قدم پیش می گذارند و به تعبیری دیگر در چنین صحنه هایی ملت گوشه هایی از وحدت خود را نشان می دهند و با این کار فرصت سوء استفاده برای آنهایی که در آن طرف مرزها در کمین نشسته اند تا از این گونه حوادث بهره برداری کرده و به برداشت های غلط و مغرضانه پردازند، نمی دهند.

در داخل کشور نیز برخی از پیروان و سینه چاکان گروه های سیاسی که به چیزی جز منافع گروهی فکر نمی کنند از این موقعیت ها برای زیر سؤال بردن رقبای احتمالی بزرگان خودشان در انتخابات آینده استفاده کرده و با مطرح کردن برخی از مسائل که در بسیاری از موارد می تواند خنده و تاسف شنوندگان و خوانندگان مطالب را به دنبال داشته باشد به زعم خود به تخریب رقیب می پردازند. نمونه ای از این اقدامات در کانال ها و گروه های استانی فضای مجازی در چند روز گذشته مشاهده شد.

برخی ها که گویا به جز رفتار هم حزبی ها و هم فکری خود رفتار دیگران را نمی توانند تحمل بکنند و حتی مثبت ترین و زیباترین کارهای رقبای حزبی و گروهی را به بدترین وجه تعبیر کرده و با قلم فرسایی همه چیز را زیر سؤال می برند این بار نیز در حالی که کشور در سوگ جان باختگان و نگران زیرآوار مانده ها بود مطلب نوشتند و منتشر کردند یا ابهالناس بیایید که حضور و تلاش برخی ها در مدیریت و سامان دادن اقدامات امداد و نجات برنامه ریزی برای انتخابات سال آینده می باشد.

آیا حضور شهردار در محل حادثه و بر عهده گرفتن بخشی از عملیات،

برای بهره برداری سیاسی است؟ در آن لحظاتی که سرمایه و زندگی هموطنان در آتش می سوزد و همکاران شهرداری در دام آتش و خوارها آهن و آجر اسیر شده اند می توان به انتخابات و پیروز شدن در آن فکر کرد و به خاطر آن مانور داد؟ آیا این چنین قضاوت کردن و اذهان را از واقعیت ها دور نمودن می تواند ادعایی منطقی و قابل قبول باشد.

فردا اتهام هواداری از شهردار تهران را بر ما نچسبانید و در ارتباط با آن سخن نگویید و مطلب ننویسید، این نوشته اشاره به یک واقعیت موجود در جامعه می باشد که متاسفانه برخی ها و مخصوصا آنهایی که بیشتر حزبی و جناحی اند و یا دوستان و عزیزانی در راس قدرت استان دارند نمی توانند حتی تلاش های مثبت و قابل تقدیر مخالفان خود را ببینند و آن را تایید بکنند.

اگر شهردار تهران به موقع در محل حادثه حاضر نمی شد و دوش به دوش همکارانش در آن محل تلاش نمی کرد همین هایی که امروز حرکت های وی را انتخاباتی می دانند فریاد بر می آوردند که آهای، کجایی آقای شهردار همکارانت شهید شدند و در بستر نرم استراحت می کنی؟ رئیس جمهور هم در محل حادثه حضور یافت و یک بازدید میدانی به عمل آورد، آیا باید ادعا شود که حرکت رئیس جمهور هم انتخاباتی بوده است؟ اگر حضور هر مسئولی در محل حادثه را انتخاباتی بنامیم پس می توان گفت که دولتی ها بیشتر در فکر تبلیغ بوده اند. اگر شهردار تهران به موقع در ساختمان پلاسکو حضور یافته وظیفه ذاتی او بوده و باید وظیفه اش عمل می کرد.

همه چیز را از پشت عینک بدبینی و از زاویه انتخاباتی و جناحی نگاه نکنیم. خوب را خوب و بد را بد خطاب نماییم. این که شهردار تهران مثل برخی ها فکر نمی کند و امکان دارد در انتخابات آینده کاندیدا بشود پس باید به هر بهانه ای او را تخریب کرد نمی تواند اقدامی قابل قبول باشد. اگر ادعای روشنفکری می کنیم و اگر خود را در وقایع و اتفاقات اجتماعی، پیش رو تلقی می کنیم و اگر خود را نیرویی تمام عیار و آگاه و کاردان و خبره در همه مسایل حاکم بر اجتماع می دانیم بهتر است همیشه طرفدار حق باشیم و از واقعیت های موجود دفاع بکنیم.